

سیری در شناخت ادیان [۳]

مسیحیت

عبدالعزیز نعمانی

دین مسیحیت

دین مسیحیت در چارچوب آیین یهودیت در قرن اول میلادی به وجود آمد. نخستین پیروان عیسی مسیح علیه السلام از یهودیانی بودند که اعمال و آداب دین یهود را به طور کامل انجام می دادند. حضرت عیسی علیه السلام رسالت خود را بر اساس خداپرستی و مکارم اخلاقی اینگونه بیان می کند: «قال إني عبد الله أتاني الكتاب وجعلني مبارکاً أين ما كنت و أوصاني بالصلاة و الزكاة ما دمت حياً و برّاً بوالدتي و لم يجعلني جباراً شقياً و السّلامُ علیّ یوم وُلدت و یوم أُموت و یوم أبعث حياً ذالک عیسی بن مریم قول الحق الذی فیہ یمترون» [مریم: ۳۴-۳۰]؛ (عیسی) گفت: من بنده خدا هستم. خداوند به من کتاب (آسمانی) داده و مرا پیامبر گردانیده است. و مرا هر جا که باشم خجسته و مایه برکت قرار داده است، و مرا به ادای نماز و پرداخت زکات تا وقتی که زنده باشم توصیه کرده است. و [مرا] به مادرم نیکوکار [ساخته] و مرا گردنکش [و] نگویند قرار نداده است. و سلام خدا بر من است (در سراسر زندگی) آن روز که متولد شدم و آن روز که می میرم و آن روز که زنده و برانگیخته می شوم. [حقیقت] عیسی بن مریم این است؛ سخن درستی که در آن اختلاف می ورزند.

در بخشهایی از انجیل آمده است که عیسی علیه السلام رهبران دینی خودپسند، ریاکار و دنیاپرست را به شدت سرزنش می کرد؛ همین امر آنان را برانگیخت تا برای نابودی و از بین بردن آن حضرت توطئه و اقدام کنند. پاره‌ای از سخنان ایشان در این باب چنین است: «وای بر شما کاتبان و فریسیان ریاکار که در ملکوت آسمان را به روی مردم می بندید؛ زیرا خود داخل آن نمی شوید و داخل شوندگان را از دخول مانع می شوید. {۱۴} وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار! زیرا خانه‌های بیوه‌زنان را می بلعید و از روی ریا نماز را طولی می کنید؛ از آن رو عذاب شدیدتر خواهید یافت. {۱۵} وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار که بر بحر را می گردید تا مریدی پیدا کنید و چون پیدا شد او را دومرتبه پست تر از خود سپر جهنم می سازید ... {۲۹} وای بر شما ای کاتبان و فریسیان ریاکار که قبرهای انبیا را بنا می کنید و مدفن‌های صادقان را زینت می دهید. {۳۰} و می گوید اگر در ایام پدران خود می بودیم، در ریختن خون انبیا با ایشان شریک نمی شدیم.»^(۱)

توطئه علیه عیسی مسیح علیه السلام

هنگامی که بزرگان یهود دیدند تعالیم حضرت عیسی علیه السلام منافع آنان را مورد تهدید قرار می دهد، برای کشتن او توطئه کردند. یکی از شاگردان ایشان به نام «یهودای اسخریوطی» به وی خیانت کرد. عیسی علیه السلام به اتهام توطئه برای براندازی حکومت استعماری روم، تحت تعقیب قرار گرفت و به مقامات رومی سپرده شد. به نوشته اناجیل، وی در آخرین شب زندگی، عشای ربّانی را با شاگردان خود صرف کرد. پس از شام آخر، مقامات رومی او را دستگیر کردند و به محکمه بردند و در آنجا به اعدام محکوم شد. طبق تعلیم اناجیل موجود، عیسی مصلوب شد، روی صلیب فوت کرد و او را دفن کردند. پس از سه روز، خدا او را از مرگ برخیزاند. وی چندین بار برای شاگردان خود ظاهر شد و سپس به آسمان رفت.^(۲)

اما از دیدگاه قرآن و بنابر اعتقاد مسلمانان، توطئه گران یهود و معاندان رومی هرگز به کشتن و مصلوب ساختن حضرت عیسی علیه السلام موفق نشدند. به همین دلیل، اعتقاد به مصلوب شدن حضرت عیسی علیه السلام از دیدگاه اسلام، کفر و باطل است؛ لذا مؤمنان نباید چنین اعتقاد باطلی را باور کنند و نباید به صلیب احترام بگذارند.

در قرآن مجید تصریح شده است: «و قولهم إنا قتلنا المسيح عیسی بن مریم رسول الله و ما قتلوه و ما صلبوه و لكن شبه لهم و إن الذين اختلفوا فیہ لفی شك منہ ما لهم به من علم إلا اتباع الظن و ما قتلوه یقیناً بل رفعه الله إلیه و كان الله عزیزاً حکیماً» [نساء: ۱۵۸-۱۵۷]؛ (خداوند بر یهود خشم گرفت زیرا از روی استهزا) می گفتند که ما عیسی بن مریم، پیامبر خدا را کشتیم! در حالی که نه او را کشتند و نه به دار آویختند و لیکن کار بر آنان مشتبه شد و (متردد شدند که آیا کس دیگری را به جای عیسی کشته‌اند

یا خود او را، و در این باره با یکدیگر اختلاف نظر پیدا کردند) کسانی که دربارهٔ او اختلاف پیدا کردند راجع به او در شک و گمان‌اند و بدان آگاهی ندارند و تنها با گمان و حدس سخن می‌گویند و (باید بدانند) که یقیناً او را نکشته‌اند، بلکه خداوند او را به سوی خود بلند کرد و خداوند توانا و حکیم است.

در آیات دیگری از قرآن آمده است که عدهٔ زیادی قبل از عروج حضرت مسیح علیه‌السلام به آسمان، به او ایمان آوردند. حواریون که در انجیل با نام رسولان از آنان یاد می‌شود، از طرفداران سرسخت حضرت مسیح شدند و تا پای جان به یاری و تبلیغ شریعت حضرت مسیح پرداختند، چنانکه خداوند عزوجل به مؤمنان توصیه می‌کند تا از آنان الگو بگیرند: «یا ایها الذین آمنوا کونوا أنصار الله کما قال عیسی بن مریم للحواریین من أنصاری إلی الله قال الحواریون نحن أنصار الله فأمنت طائفة من بنی اسرائیل و کفرت طائفة فأیدنا الذین آمنوا علی عدوهم فأصبحوا ظاهرين» [صف: ۱۴]؛ ای مومنان! یاری‌دهندگان (دین) خدا باشید همانگونه که عیسی بن مریم به حواریون گفت: چه کسانی یاران من برای (یاوری دین) خدا خواهند بود؟ حواریون گفتند: همهٔ ما یاران (دین) خدا خواهیم بود؛ سپس گروهی از بنی‌اسرائیل ایمان آوردند و گروهی کافر شدند. ما کسانی را که ایمان آوردند علیه دشمنان مدد کردیم و آنان پیروز شدند.

اعتقاد به الوهیت حضرت مسیح

سراسر زندگانی عیسی مسیح علیه‌السلام پر از شگفتی‌هاست. خداوند او را بدون پدر از مادرش مریم عذرا به دنیا آورد. او در کودکی سخن می‌گفت. مردم را به پرستش خداوند یگانه فرا می‌خواند و در اثبات بعثت خویش می‌گفت: «من کَلِّ را به شکل پرنده می‌سازم سپس در آن می‌دمم و به فرمان خدا تبدیل به

پرنده‌ای زنده می‌گردد. کور مادرزاد و مبتلایان به بیماری پسی را شفا می‌دهم. مردگان را به فرمان و ارادهٔ خدا زنده می‌گردانم و از آنچه می‌خورید و از آنچه در خانه‌های خود ذخیره می‌کنید (آگاه هستم و) به شما خبر می‌دهم! همانا الله، پروردگار من و شماست، فقط او را پرستش کنید. این است راه راست.» [آل‌عمران: ۵۱-۴۹]. و عروج ایشان به آسمان در پایان رسالتش همه را به شگفتی واداشت. از این رو مسیحیان ساده‌لوح او را همسان خداوند پنداشتند که در قالب بشر حلول کرده و به یاری آنان برخاسته است. مسیحیان اولیه، حضرت عیسی علیه‌السلام را به عنوان چهره‌ای تاریخی که خداوند متعال از طریق او عمل کرده است می‌شناختند، و بر این اعتقاد بودند که کار و وظیفهٔ عیسی علیه‌السلام به عنوان مسیح، این بود که به جهانیان بفهماند که خداوند چگونه است. آنان در وجود حضرت عیسی، انسانی را می‌دیدند که تولد یافته و پس از مدتی زندگی کردن، وفات یافته بود؛ اما انسانی که خداوند به عنوان پسر خویش برگزیده بود. این اعتقاد در عهد جدید، انجیل مرقس و کتاب اعمال رسولان انعکاس یافته است. پولس در رسالهٔ دوم خویش به فیلیپیان، برای عیسی علیه‌السلام به عنوان مسیح، یک هستی قبل از دنیا قایل می‌شود. مطابق این نظر، عیسی علیه‌السلام موجودی بود که از ابتدای زمان، حیاتی روحانی داشت؛ اما وقتی به صورت انسان درآمد، خود را از آن صفات و قدرتها خالی کرد. انجیل یوحنا دیدگاهی مشابه با این نظریهٔ پولس در مورد حیات ازلی عیسی علیه‌السلام اتخاذ می‌کند؛ اما اظهار می‌نماید که این جنبهٔ الوهیت حضرت عیسی علیه‌السلام فدای تجسد و تمثیل وی به صورت یک انسان نشد.^(۳)

اعتقاد به تثلیث

اعتقاد به تثلیث (سه‌گانگی خدا در

الوهیت) از مسائل مهم اعتقادی و شرک‌آمیز مسیحیان است. جالب آنکه در هیچ یک از اناجیل کنونی اشاره‌ای به مسئلهٔ تثلیث نشده است. طبق این اعتقاد شرک‌آمیز، مسیحیان ذات خداوند را مرکب از سه بخش: خدا، روح‌القدس و مسیح (فرزند خدا) می‌دانند. هنگامی که در اوایل قرن چهارم میلادی اسقفی برجسته به نام آریوس، حضرت مسیح را مخلوق خداوند معرفی کرد، بحث و مشاجره پیرامون این مسئله شدت گرفت و از اسکندریه به تمام کلیساها انتشار یافت؛ تا آنکه قسطنطین امپراطور روم مجبور شد پادرمیانی کند و اعتقاد واحدی را برای همهٔ مسیحیان معرفی کند. وی برای این کار از نمایندگان تمام کلیساهای کشورهای مختلف شورایی تشکیل داد که در این شورا قریب به سیصد اسقف گرد هم آمدند و بعد از مباحثات زیاد، رأی به الوهیت حضرت عیسی با اکثریت قاطع پذیرفته شد و نظر آریوس مردود اعلام شد. در قطعنامهٔ آن شورا که به نام «اعتقادنامهٔ نیکایه یا نیکاییه» معروف است، در مورد عیسی علیه‌السلام چنین آمده است: «ما ایمان داریم به خدای واحد (پدر) قادر مطلق، خالق همهٔ چیزهای مرئی و نامرئی و به خداوند واحد عیسی مسیح، پسر خدا که از پدر بیرون آمده و فرزند یگانه و مولود از او که از ذات پدر است، خدا از خدا، نور از نور، خدای حقیقی از خدای حقیقی که مولود است نه مخلوق از یک ذات یا پدر که به وسیلهٔ او همه چیز وجود یافت. ... اما به خاطر ما آدمیان و برای نجات ما نزول کرد و مجسم شد و انسان گردید.»^(۴)

قرآن کریم به صراحت اعتقاد به تثلیث را کفر و شرک می‌خواند و از مسیحیان می‌خواهد تا به اعتقاد توحید بازگردند و از هرگونه اعتقاد شرک‌آمیز پرهیز نمایند: «یا أهل‌الکتاب لا تغلوا فی دینکم ولا تقولوا علی الله إلا الحق إنما المسیح عیسی بن مریم رسول الله و کلمته ألقاها إلی مریم و روح منه فآمنوا بالله و رسله

و لا تقولوا ثلاثة انتهوا خيراً لكم إنما الله اله واحد سبحانه أن يكون له ولد. له ما في السموات و ما في الأرض و كفى بالله وكيلاً [نساء: ۱۷۱]؛ ای اهل کتاب! در دین خود غلو و زیاده‌روی نکنید و درباره خدا جز حق نگویید، بی‌گمان عیسی مسیح پسر مریم، فرستاده خدا است و نتیجه فرمان (و مخلوق) اوست که او را به مریم القا نمود و روحی از طرف او بود. بنابراین به خدا و پیامبران او ایمان بیاورید و نگویید (خداوند) سه‌گانه است. از این (سخن پوچ) دست بردارید که به سود شما نیست. همانا خداوند تنها معبود یگانه است، او منزّه است از آن که فرزندی داشته باشد، و از آن اوست آنچه در آسمانها و در زمین است و برای تدبیر و سرپرستی آنها خداوند کافی است».

در تحقیقات جدید محققان غربی مشخص شده است که اعتقاد به تثلیث در نسخه‌های قدیمی انجیل یافته نمی‌شود و این عبارت تنها در نسخه‌های خطی متأخر یافته می‌شود. علاوه بر این عده‌ای دیگر از دانشمندان غربی دریافته‌اند که بین عقاید مسیحیان و ادیان هندی تشابه عجیبی وجود دارد. آنان در مطالعات خود متوجه شدند که عقاید تثلیث، فدا، تصلیب و سایر مسائل اعتقادی مسیحیان عیناً در مذاهب بت‌پرستان وجود دارد و در اعتقادات بنی‌اسرائیل سابقه‌ای نداشته است. دانشمندان محقق، حتی در برابر جمله‌هایی از انجیل، عبارتهای مشابهی در کتابهای هندویی و بودایی یافتند که حیرتشان را برانگیخت. آنان پی بردند که حتی لقبهای گوسفند خدا، فرزند خدا، بردارنده گناهان، فداشونده و غیر اینها که به مسیح علیه‌السلام اطلاق می‌شود در آن مذاهب نیز هست و چون سابقه تاریخی آن ادیان بیشتر است، دانشمندان نظر دادند که اعتقادات و اصطلاحات مسیحیان در این باب باید از آن ادیان گرفته شده باشد.^(۵)

مراسم مذهبی مسیحیان

مسیحیت از طریق شعایر دینی خود - از جمله مراسم درام فدیه و بازخریدن گناهان - بیش از هر وسیله یا واسطه دیگری با پیروان و مؤمنین به دین مسیح تماس برقرار ساخته است. منظور از شعایر مقدس مذهبی، آداب و رسوم است که به اعتقاد مسیحیان به دستور خود حضرت عیسی علیه‌السلام برگزار شده است.

تعداد این آداب و مراسم مقدس، در مذهب کاتولیک به هفت آیین رسیده است در حالی که مذهب پروتستان به طور سنتی تنها دو تای از آنها را پذیرفته است:

۱- مراسم غسل تعمید: اصلی‌ترین مراسم در آیین مسیحیت که برای همه ضرورت دارد، تعمید است. شخص با تعمید به جامعه مسیحیت وارد می‌شود و رسالت دایمی کلیسا را بر عهده می‌گیرد. این رسالت عبارت است از گواهی دادن به کارهای نجات‌بخش خدا به وسیله عیسی. به عقیده هر مسیحی، تعمید وسیله‌ای است که خدا از طریق آن، همه آثار زندگی و مرگ عیسی را به شخص عطا می‌کند. تعمید اصولاً با گونه‌ای شستشو انجام می‌گیرد؛ در برخی کلیساها رسم است که با ریختن آب بر سر شخص، وی را تعمید می‌دهند. هنگام تعمید، کشیش این عبارت را که از آخر انجیل متی اقتباس شده است، می‌خواند: «تو را به نام پدر، پسر و روح‌القدس تعمید می‌دهم».

۲- آیین تأیید: نیمه دوم از سلوک و پیشرفت در زندگی هر مسیحی «تأیید» نامیده می‌شود. در نیمه اول یعنی تعمید، بر نجات از گناه تأکید می‌شود و طی آن خدا با فرد گناهکار آشتی می‌کند و وی را به سوی زندگی بر اساس ایمان و اطاعت خدا می‌خواند؛ اما در نیمه دوم یعنی «تأیید»، بر جنبه مثبت ادای شهادت به آنچه خدا به وسیله عیسی برای بشریت محقق ساخته است و کمک

خواستن از روح‌القدس، تأکید می‌شود. در واقع مراسم تأیید یک فرد مسیحی، تکمیل‌کننده آیین غسل تعمید به حساب می‌آید که طی این مراسم، هر کس پیمان و عهدی را که در مراسم تعمید بسته است مورد تأکید و تأیید مجدد قرار داده و به این ترتیب جزو جماعت و پیروان کلیسا در می‌آید.

۳- آیین توبه و طلب بخشایش: مراسم غسل تعمید و تأیید و تنفیذ فرد به عنوان یک مسیحی معتقد و عضو کلیسا، آیین‌هایی هستند که در طول زندگی فرد تنها یک بار انجام می‌شوند؛ اما آیین توبه و طلب بخشایش - که در کلیسای کاتولیک روم انجام می‌شود - را می‌توان در هر زمان و هر چند نوبت که فرد خواسته باشد، برگزار کرد. این مراسم برای جبران گناهانی که از زمان غسل تعمید به بعد انجام شده‌اند طراحی شده و به مثابه آیینی است که در خلال آن لطف و فیض برای بخشش و مغفرت گناهانی خاص صدور می‌یابد. در این مراسم چهار عمل خاص انجام می‌شود: توبه، اقرار به گناهان، رضایت نفس و اعلام آمرزش گناهان توسط کشیش.

۴- آیین عشاء ربّانی: این آیین با عقیده نجات و رستگاری، پیوند نزدیک دارد و نماد حلول و تجسید محسوب می‌شود و یادبود بازسازی شام آخر حضرت عیسی با شاگردان در شب قبل از مرگ اوست. به زعم مسیحیان، عیسی در آن مراسم نان و شراب را به عنوان گوشت و خون خود به شاگردان داد تا آنها را بخورند و بنوشند. مسیحیان هنگامی که در این مراسم شرکت می‌کنند، باور دارند که مسیح با جسم خود نزد آنان حاضر می‌شود. هنگام تبرک نان و شراب، پیشوای مراسم سخنان عیسی علیه‌السلام را در شام آخر تلاوت می‌کند؛ علاوه بر خواندن کتاب مقدس و خوردن قربانی، همخوانی و دعای توسل و شکر انجام می‌پذیرد. برخی از مسیحیان این مراسم را همه روزه در میان

اعضای خانواده خود انجام می‌دهند.
۵- آیین تدهین مقدس: مالیدن روغن مقدس به بدن بیماران به این معناست که بیماران تنها نیستند بلکه مسیح با آنان است و ایشان را به سوی خدا رهنمون می‌شود؛ همچنین گروهی از برادران ایمانی با او هستند و برای او دعا می‌کنند.

۶- آیین تشریف به منصب روحانی: آیین تشریف افراد به سلک روحانیان و انتصاب کشیشان به وضوح نشانه تمایز بین افراد عادی و مقامات روحانی است که درجات اصلی روحانیت را دربر می‌گیرد:

اسقف: وی نماینده مسیح است و به نیابت از او تعلیم می‌دهد، رهبری مراسم عبادی را به عهده می‌گیرد و خدمت می‌کند.

کشیش: وی معاون اسقف است و در وظایف او نقش او را ایفا می‌کند.

شماس: سخنان خدا و مسیح را تبلیغ می‌کند و به مساعدت بینوایان، بیماران و سالخورده‌گان می‌پردازد.

۷- آیین مقدس ازدواج: آیین ازدواج احتمالاً آخرین آیینی است که از طرف مذهب کاتولیک روم، جزو شعایر مقدس هفتگانه دین مسیحیت درآمده است. در مسیحیت اولیه و در دوران قرون وسطی، آرمان مسیحیت تجردگرایی و عزوبت بود.

در آیین پروتستان ازدواج مقدس از آداب رسمی این آیین نیست، اما در این مذهب نیز به عنوان یک رسم دینی غیر مقدس وجود دارد. مسیحیان ازدواج را همچون رمز و نشانه‌ای بشری برای شیوه رفتار خدا با خود به شمار می‌آورند. مسیحیان هنگام ازدواج متعهد می‌شوند که یکی شدن مرد و زن را نشانه آشکاری برای محبت خدا به بشر و محبت مسیح به شاگردانش قرار دهند. به همین علت مسیحیان ازدواج را التزام و تعهد به زندگی می‌شمارند و به ظاهر با طلاق و تجدید فرآش در زمان حیات همسر اول، مخالف‌اند.^(۶)

متون مقدس مسیحیت

برای مسیحیان اولیه، متون مقدس یهودیت از اعتبار و اقتدار شرعی برخوردار بود. در زمان حیات حضرت عیسی علیه‌السلام، کتاب تورات و کتابهای پیامبران عهد عتیق به عنوان کتب مقدس محسوب می‌شدند. اما هیچ قانون نهایی یا فهرست معتبری از متون مقدس عبرانی وجود نداشت؛ تا اینکه در حدود سالهای ۹۰ میلادی، "شورای جابنه" (Council of Jabneh) سی و نه کتاب را به عنوان مجموعه کتب مقدس برگزید.

طی قرن اول میلادی، تعدادی از نامه‌های پولس رسول را به عنوان مجموعه کامل قوانین و مقررات مسیحی، جمع‌آوری کرده و به عنوان مجموعه واحد، دست به دست می‌گرداندند. در قرن دوم میلادی، تعداد زیادی از اناجیل گوناگون ظاهر گردید. بسیاری از اناجیل مشکوک و مجعولی که در قرون آینده مورد توجه و مراجعه بعضی از مسیحیان قرار گرفت، مربوط به همین دوره از تاریخ مسیحیت است. مدتها بعد از آن در قرن شانزدهم میلادی، رهبران اصلاح‌طلبی که در نهضت پروتستان علیه سنن قدیمی مسیحیت در غرب اعتراض و انتقاد می‌کردند، موضع جدیدی در مورد این کتب مشکوک و جعلی اتخاذ کردند. آنها قبول سنتی این کتب به عنوان متون مقدس دینی توسط مسیحیان را مردود دانسته، تنها قبول کردند که اینها تعدادی کتب سودمند هستند.

گروهها و افراد مسیحی نیز بر سر منزلت و جایگاه کتاب مقدس اختلاف نظر دارند. در نزد بعضی از مسیحیان، کتاب مقدس سراسر الهام خداوندی است. نزد گروه دیگری از مسیحیان کتاب مقدس کلامی است که افراد صاحب الهام و بصیرت آن را نوشته‌اند. امروزه بسیاری از مسیحیان، دیگر اعتقادی به عدم وجود اشتباه یا غلط لفظی در کتاب مقدس ندارند، بر همین اساس

کشفیات جدید علمی یا بررسی نقادانه کتاب مقدس آرامش آنها را بر هم نمی‌زند. به طور خلاصه باید گفت که کتاب مقدس مسیحیان را باید در کتب عهد قدیم و عهد جدید جستجو کرد. جریان قانونی کردن و مشروعیت بخشیدن به این متون مقدس، جریانی بود که انعکاس‌دهنده سه قرن تحول تدریجی به شمار می‌آید. تا اواخر قرن چهارم میلادی، قانون (متن شرعی) کتاب مقدس مسیحیت، کم و بیش معین شده بود. به جز پاره‌ای اختلاف‌نظرها پیرامون تعداد دقیق کتب معتبر و قانونی در مجموعه عهد عتیق، اجماع عقاید مسیحی بر این استوار است که کتاب مقدس کلام خداست و از این جهت برای همه اعتقادات و اعمال مسیحی، اعتبار و اقتدار شرعی دارد.^(۷)

اناجیل

پس از حضرت عیسی علیه‌السلام گروه زیادی از پیروان ایشان به نوشتن سیره آن حضرت اقدام کردند و نوشته‌هایی به وجود آوردند که بعداً انجیل خوانده شد. اندک اندک چهار انجیل از این انجیلها رسمیت یافت و اناجیل دیگر متروک شد. نویسندگان انجیل اول و انجیل چهارم از حواریون و نویسندگان دو انجیل دیگر از حواریون حواریون معرفی می‌شوند. میان سه انجیل اول هماهنگی وجود دارد و به این دلیل آنها را اناجیل هم‌نوا می‌نامند.

انجیلهای رسمی عبارتند از:

- ۱- انجیل متی (سیره و مواعظ مسیح با اشاره به پیشگویی‌های عهد عتیق)؛
- ۲- انجیل مرقس (قدیمترین و کوتاهترین کتاب سیره و مواعظ مسیح)؛
- ۳- انجیل لوقا (سیره و مواعظ مسیح با تکیه بر جزئیات)؛
- ۴- انجیل یوحنا (متأخرین کتاب سیره و مواعظ مسیح با تأکید بر مافوق بشر بودن او).

کلیسا و پاپ

بارزترین نهاد دینی مسیحیت کلیسا است. کلیسا پدیده‌ای است که پس از عروج حضرت عیسی علیه‌السلام به وجود آمده است. در حدود سالهای ۹۰ میلادی و پس از آن، واژه اسقف (اپیسکوپوس) به طور گسترده در میان مسیحیان رایج شد، به نحوی که در ابتدای قرن دوم مسیحی، ساختار کلیسای مشخص و معینی وجود داشت. اسقفان بتدریج به پادشاه روحانی (کلیسای) تبدیل شدند. تمام قدرت و اقتدار کلیساهای زیر نظر یک اسقف، در کف قدرت وی بود.

تا تشکیل شوراهای اسقفی - که در آن اسقفها در شورایی جهانی، نظیر شوراهای نیکائیه، قسطنطنیه و چالسدون شرکت می‌جستند - اسقفها کم و بیش مثل پادشاهانی مستقل و منفرد عمل می‌کردند.

در حدود سالهای ۸۰۰ میلادی، اسقف اعظم رم اعتبار و اقتدار یک حاکم جهانی را پیدا کرده بود. پاپ که مانند پادشاهی جهانی عمل می‌کرد، امپراتور این دنیای مادی و گذران را تقدیس و تبرک می‌کرد.

در کلیسای کاتولیک جدید غرب، شخص پاپ که غالباً به عنوان جانشین و نایب حضرت عیسی علیه‌السلام محسوب می‌شود، هنوز رئیس مسیحیت غرب شناخته می‌شود. وی از بین جمعی از کاردینالها انتخاب می‌شود که در ابتدا مرتبه شاهزاده‌های رومی را داشتند؛ یعنی یک درجه نازلتر از پاپ

(حاکم و سلطان روم)، امروزه نیز این

کاردینالها به صورت مشاوران پاپ عمل می‌کنند. در کاتولیک جدید، نقش ایشان بیشتر جنبه اداری دارد.^(۸)

کلیسای مسیحی در عصر جدید

از قرن دوم میلادی تا عصر حاضر، کلیسا همواره ضرورت وجود خویش از منظر حکمت را ابراز کرده است؛ به این بیان که کلیسا مانند بدن مسیح است و لطف و فیض از طریق آن به جهان وارد می‌شود. مسیحیان معتقدند که نجات و رستگاری تنها از طریق کلیسای مسیحی عرضه می‌شود.

امروزه سه تقسیم‌بندی عمده در درون مسیحیت وجود دارد: ارتودوکسی، کاتولیک رومی و پروتستان‌گرایی.

کلیسای ارتودوکس شرقی، نظیر مذهب پروتستان در امریکا، کاملاً جنبه کثرت‌گرایی دارد. در حال حاضر

چهار اسقف شرقی وجود دارند که ریشه‌هایی باستانی دارند. اسقفهای اعظم قسطنطنیه، اسکندریه، انطاکیه و اورشلیم، به همراه تعدادی اسقف اعظم جدید نظیر شیوخ کلیساهای رومانی، بلغارستان و روسیه. امروزه در ایالات

متحده آمریکا، کلیساهای ارتودوکس سوری، روسی، صرب، اوکراینی، یونانی، ارمنی، آلبانیایی، بلغاری و رومانیایی حضور دارند و حدود سه میلیون نفر پیرو دارند. همچنین امروزه در آمریکا صدها تشکیلات رسمی دینی وجود دارند که نه ارتودوکس و نه کاتولیک رومی هستند. همچنین در بین مجموعه‌های پروتستان، گروههایی غیرسنتی نظیر گروههای کاتولیکی که تفوق و برتری پاپ را به رسمیت نمی‌شناسند (نظیر کاتولیکهای رومی قدیمی و یا کلیسای ملی هلند)، اسپریتوالیست‌ها، تئوسوفیست‌ها (اهل عرفان و حکمت) و بسیاری از گروههای دیگر دیده می‌شوند.

در میان پروتستانها، بعضی فرقه‌ها پیروان بسیار زیادی دارند و بعضی هم کاملاً محدود و کوچک هستند.^(۹)

پی‌نوشت‌ها:

- ۱) توفیقی، حسین؛ آشنایی با ادیان بزرگ؛ ص: ۱۱۹؛ سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی، ۱۳۷۹، تهران.
- ۲) همان، ص: ۱۲۲.
- ۳) بوش، ریچارد، و کنت دالراید؛ جهان مذهبی ادیان در جهان امروز؛ ص: ۱۹۱؛ ترجمه: دکتر عبدالرحیم گواهی؛ دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۴، تهران.
- ۴) رضایی، عبدالعظیم؛ تاریخ ادیان جهان؛ جلد ۲؛ ص: ۱۲۶؛ انتشارات علمی، تهران.
- ۵) آشنایی با ادیان بزرگ؛ ص: ۱۴۱.
- ۶) جهان مذهبی ادیان در جهان امروز؛ ص: ۲۱۶-۲۱۱. آشنایی با ادیان بزرگ؛ ص: ۱۵۱.
- ۷) جهان مذهبی ادیان در جهان امروز؛ ص: ۱۹۱-۱۸۹.
- ۸) همان؛ ص: ۲۰۱-۲۰۰.
- ۹) همان؛ ص: ۲۰۰ و ۲۰۳ و ۲۱۰.

